

نیم‌نگاهی به ترجمه تفسیر «المیزان»^۱

دانش تفسیر در حوزه فرهنگ و علوم اسلامی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و در طول سالیان بعد از صدر اسلام تا به اکنون، تألیفات و تصنیفات بسیاری را به خود اختصاص داده است. از سعید بن جبیر (م ۹۵ هـ) تا به اکنون، هزاران مفسر و قرآن‌پژوه به تدوین نوشته و کتابی در این باره پرداخته‌اند که احصاء تمامی آنها امری محال یا بسیار بعید است، ولی شمارش تفاسیر مشهور و ممتاز و بررسی ویژگیهای آن که در هر قرن، تعدادشان تقریباً محدود بوده و در مجموع یک کتابخانه متوسط اسلامی را تشکیل خواهند داد، امری ممکن و در نهایت سودمند است. در بین این مجموعه از تفاسیر ممتاز و مشهور، تفسیر شریف «المیزان»، نوشته علامه بزرگوار طباطبایی (ره) از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، به گونه‌ای که اکنون این تفسیر در سرتاسر جهان اسلام منتشر شده و آشنایان با فرهنگ قرآنی، انس تنگاتنگی با آن گرفته به حدی که امروزه به عنوان یکی از بهترین، پرمراجعه‌ترین و جامع‌ترین تفاسیر شیعی و اسلامی شمرده می‌شود.

ویژگیهای برجسته این تفسیر فراوان است، ولی از مهمترین آنها می‌توان به این موارد اشاره نمود:

الف - روش تفسیری مرحوم علامه که همان تفسیر آیاتی از قرآن با آیات دیگر است، (تفسیر قرآن به قرآن).

ب - مباحث موضوعی تفسیر (اعم از اعتقادی، اخلاقی، فلسفی، سیاسی، اجتماعی و...) که نزدیک به هشتصد مبحث در موضوعات یاد شده است، چه در حجم محدود (چند

۱ - این مقاله در نهمین کنگره سالانه بزرگداشت علامه طباطبایی (ره) که در اردیبهشت سال جاری

(۱۳۷۴) در دانشگاه تبریز برگزار شده بود، ارائه گردید.

سطر)، و چه در حجم بسیار (بیش از سی صفحه) که در سرتاسر تفسیر به چشم می خورد .
ج - بهره گیری از ابزار متقن در تفسیر آیات قرآن ، همچون «سیاق آیات» که در تمام تفسیر ، مرحوم علامه برخی از نکات تفسیری را فقط با «سیاق و تناسب آیات» استنتاج نموده و از آن دفاع کرده است .

چگونگی تدوین تفسیر «المیزان» و ترجمه آن

مرحوم علامه طباطبایی بعد از مراجعت به قم و تشکیل درس تفسیر قرآن ، شروع به تدوین تفسیر گران سنگ خود نموده و نخستین مجلد آن را حدود ۳۵ سال پیش به چاپ رسانده و ظاهراً آخرین مجلدات آن را در سال ۱۳۹۲ هـ. ق به پایان رسانده ، انتشار داده اند . اصل این تفسیر ، عربی و در بیست مجلد انتشار یافته که مسئولیت نشر آن را به ترتیب دارالکتب الاسلامیه در تهران ، مؤسسه الاعلمی در بیروت ، و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم^۱ به عهده داشته اند و در طول این سالیان چندین بار آن را مکرراً چاپ و منتشر نموده اند .

ظاهراً برخی از فضلا و شاگردان مرحوم علامه با پیشنهاد ایشان در همان آغاز ، شروع به ترجمه بخشی از «المیزان» نموده که در نهایت با ادامه ترجمه جناب آقای موسوی همدانی موافقت شده و دیگر آقایان از ادامه ترجمه خودداری نموده اند . از این روی هر چند ترجمه برخی از مجلدات با نام برخی از علماء و فضلا ، چاپ و منتشر گردیده ، ولی ترجمه کامل تفسیر المیزان با قلم جناب آقای موسوی همدانی در حدود ۳۰ سال پیش شروع و بعد از چندی به پایان رسیده و اکنون این ترجمه ، با چاپهای گوناگون در دسترس همگان قرار گرفته است .

چاپهای گوناگون ترجمه تفسیر المیزان

ترجمه تفسیر المیزان با سه چاپ مشهور ، اکنون در دسترس است :

الف - چاپ کانون انتشارات محمدی ، (چاپ اول)^۲

۱- تفسیر المیزان ، چاپ جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ، بیست جزء است که در ده مجلد چاپ شده است .

۲- ظاهراً برخی از مجلدات آن توسط «دارالعلم / قم» برای اولین بار چاپ و منتشر شده و بقیه مجلدات

- ب - چاپ بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی (ره) (چاپ دوم)
 ج - چاپ جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (چاپ سوم)

در باره چاپ اول ترجمه المیزان

ظاهراً مجلدات نخستین ترجمه تفسیر المیزان، توسط کانون انتشارات محمدی تهران در سال ۱۳۴۵ ش، چاپ و منتشر گردیده و به ترتیب، دیگر مجلدات (تا جلد چهارم) به تدریج ادامه یافته است. با توجه به ویژگیهای آن مقطع زمانی، و محدودیتهای فنی، این چاپ به گونه‌ای بسیار مغلوط عرضه گردیده، به گونه‌ای که اغلاط چاپی و مطبعی آن از چند هزار متجاوز گردیده و مع‌الاسف اکنون نیز برخی از ناشران بعضی از مجلدات آن را بدون داشتن مجوزی چاپ نموده، منتشر می‌سازند.

عدم ویرایش صحیح، وجود واژه‌های غیر مصطلح و بعضاً عامیانه، اغلاط فراوان چاپی، و ترجمه نادرست برخی از عبارات، زمینه عدم اعتماد به این چاپ از ترجمه را به وجود آورده است. از این روی صواب این است که با توجه به چاپ جامعه مدرسین حوزه علمیه قم که در صفحات آینده از آن سخن خواهیم گفت، چاپ کانون انتشارات محمدی از ترجمه تفسیر المیزان، به هیچ وجه منتشر و توزیع نگردد، زیرا جنبه هدایتی تفسیر مرحوم علامه را خدشه دار می‌سازد.

نگارنده ضمن بررسی و تفحص در جلد / ۳۵ ترجمه، با چاپ یاد شده (از صفحه ۳۰۲ تا ۳۲۶) و جلد / ۳۶ (از صفحه ۱ تا ۱۶۵) که در حدود ۱۹۰ صفحه را تشکیل می‌دهد، نزدیک به هفتاد اشتباه چاپی^۱ و دهها واژه غیر مصطلح و عامیانه برخورد نموده که خوشبختانه در چاپ جامعه مدرسین حوزه علمیه قم از ترجمه «المیزان»، اکثر قریب به اتفاق آن موارد تصحیح شده است.

به مثل واژه‌های غیر مصطلح ذیل، در چاپ کانون انتشارات محمدی به چشم می‌خورد که در چاپ جامعه مدرسین قم، اصلاح شده است:

توسط «کانون انتشارات محمدی» انتشار یافته است.

۱ - این رقم، بیانگر احصاء کامل اغلاط نبوده و در صورت دقت و استقصاء کامل، شمارش آن بیشتر خواهد گردید.

ج ۳۶ ص ۸۰ (ساخت و پاخت)، ص ۹۰ (قاطی) ص ۹۲ (پیاز دعوتش ریشه کرد)، ص ۱۱۵ (سخنی من در آری)، ص ۱۲۲ (بگومگو)، و ص ۱۵۱ (شر و وره‌ایت).
 که بعداً به ترتیب به واژه‌هایی شبیه این موارد تغییر یافته است: (سازش)، (آمیخته)، (دعوتش ریشه دار شد)، (سخنی خودساخته)، (بحث) و (اشعارت).
 با توجه به موارد فراوان یاد شده، این چاپ از ترجمه فاقد دقت و اعتبار لازم است و عدم نشر و توزیع آن به آسانی احساس می‌گردد.

در باره چاپ دوم ترجمه

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، و با توجه به اشتیاق روزافزون قشر جوان و فرهنگی جامعه به قرآن کریم و فهم معانی آن، دست‌اندرکاران نشر آثار مرحوم علامه به چاپ مجدد ترجمه تفسیرالمیزان پرداخته که این چاپ با مسؤلیت و نشر (بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، و مرکز فرهنگی نشر رجاء، و مؤسسه امیرکبیر) انجام پذیرفته و با همان اسامی ناشران، معروف گردیده است^۱، ولی مع‌الاسف این چاپ در واقع همان افست از چاپ کانون انتشارات محمدی است که تغییر چشمگیری در آن انجام پذیرفته و فقط چهل جلد تبدیل به بیست مجلد گردیده و در نتیجه شماره صفحات نیز تغییر یافته است، از این‌رو بیشتر نواقص و نقائص چاپ قبلی در این چاپ نیز به چشم می‌خورد، لذا اکنون نشر و توزیع این چاپ نیز خود محل تأمل است.

در باره چاپ سوم ترجمه

ظاهراً بعد از چاپ دوم یا کمی قبل از آن، لزوم بازنگری در چاپهای ترجمه المیزان از سوی متولیان نشر آثار مرحوم علامه طباطبایی احساس گردید و این مهم به عهده دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم سپرده شد و سرانجام در سال ۱۳۶۳ اولین جلد از ترجمه، چاپ و منتشر گردیده و به ترتیب در سالهای بعد، مجلدات

دیگر (تا ۲۰ جلد) به بازار علم و دانش عرضه شد.

این چاپ از ترجمه، موارد بسیاری از اغلاط و لغزشهای چاپهای گذشته را اصلاح نموده، همچنین عملیات و اضافات دیگری نیز بر روی آن انجام داده که آن اصلاحات و اضافات بدین‌گونه است:

الف - ویراستاری شامل: (اصلاحات دستوری، انشایی، علامت‌گذاری، غلط‌گیری، و تبدیل بعضی از جملات و کلمات غیر مصطلح).

ب - استخراج منابع، مدارک، آیات، روایات و منقولات^۱.

ج - تهیه فهرست مشروح مطالب.

ویژگیهای یاد شده، موجب گردیده که چاپ جامعه محترم مدرسین از ترجمه تفسیر المیزان، بهترین چاپ موجود تلقی گردیده، سرآمد دیگر چاپهای ترجمه گردد و زمینه‌های جذب بیشتر را در علاقمندان به قرآن و فهم معانی آن به وجود آورد، ولی آنچه برجای مانده و بعد از گذشت سی سال در هیچ چاپی هنوز انجام نپذیرفته، دو مطلب مهم است:

۱ - خوشخوان بودن و نارسا بودن ترجمه که حاکی از سبک صاحب ترجمه است.

۲ - لغزشها و عدم دقت در ترجمه پاره‌ای از عبارات متن «المیزان».

در باره مورد اول نیازی به ذکر نمونه‌هایی از ترجمه احساس نمی‌شود، زیرا این نکته با رجوع به مجلدات گوناگون ترجمه، به آسانی روشن می‌گردد، ولی در باره مطلب دوم سخن بسیار است و نگارنده در طول سالیان تحصیل سابق خود یادداشت‌هایی را در این باره سامان داده که اینک برخی از آنها را در این مقاله یاد آور می‌شود.

امید است افراد حقیقی و حقوقی که مسئولیت نشر آثار مرحوم علامه طباطبایی را برعهده دارند، چاره‌ای اندیشیده، ترجمه المیزان را با تصحیح لغزشهای محتوایی آن به چاپ رسانند و یا زمینه ترجمه‌ای دیگر از تفسیر را فراهم آورند و همچنین به مؤسسات و مراکزی که در زمینه قرآن و علوم و معارف آن فعالیت دارند، پیشنهاد می‌شود در این زمینه

۱ - این ویژگی در هیچ‌یک از چاپهای المیزان و ترجمه آن (عربی و فارسی) به چشم نمی‌خورد، از این روی، محققان و مراجعه‌کنندگان به تفسیر المیزان (متن عربی)، نیز در مواردی برای یافتن مأخذ روایات، منقولات و دیگر منابع و مدارک، چاره‌ای جز رجوع به این چاپ از ترجمه ندارند.

طرحی را ارائه و خدمتی را به ساحت مقدس قرآن تقدیم نمایند، سعیتان مشکور و اجرتان در نزد حضرت حق محفوظ باد، ان شاء...

یادآوری چند نکته

الف - مواردی از لغزشها و کمبودها که در صفحات آینده، از ترجمه تفسیرالمیزان گزارش می شود، فقط مربوط به ۱/۵٪ از کل ترجمه است^۱.

ب - در این مقاله، ترجمه تفسیر با چاپ جامعه مدرسین مدنظر بوده و در پانوشتها دو چاپ دیگر از ترجمه و همچنین متن عربی المیزان نیز آورده شده و تطبیق گردیده و شماره جلد و صفحات آنها را نیز یادآور شده ایم، تا خواننده در صورت مقابله مطالب با هر چاپی به آسانی آن را بیابد و سردرگم نشود.

ج - همچنین در سرتاسر مقاله، برای تصحیح جملات و کلمات مغلوط، عباراتی شبیه به آن آورده شده و فقط با یک یا چند کلمه، جمله را اصلاح نموده است، از این رو جملات و عبارات پیشنهادی در بهترین شکل خود ارائه نگردیده، زیرا هدف تصحیح جمله با تغییر یک یا چند کلمه بوده است.

د - عمده موارد و علل لغزشهای ترجمه (فقط در حجم ۱/۵٪ از کل آن) در محورهای زیر خلاصه می گردد:

- ۱ - عدم دقت در ارجاع ضمائر
- ۲ - عدم اعراب صحیح کلمه
- ۳ - تصحیف کلمه
- ۴ - تبدیل جملات منفی به مثبت و بالعکس
- ۵ - تصور ترکیب اضافی در کلمات
- ۶ - عدم ترجمه برخی از عبارات متن
- ۷ - ترجمه نادرست برخی از آیات

۱ - در این مقاله فقط جلد هیجدهم از ترجمه تفسیرالمیزان، چاپ جامعه مدرسین، (صفحات ۲۸۱-۴۵۲)،

و دیگر چاپها از ترجمه، مورد بررسی و مقابله با متن عربی قرار گرفته است و دیگر مجلدات مد نظر نیست.

۸- مواردی دیگر از لغزشها

اینک به نمونه‌هایی از موارد یاد شده، اشاره گردیده و یاد آور می‌شود که نمونه‌های گزارش شده، احصاء کامل نبوده و فقط برخی از لغزشهای آشکار در ترجمه، شمارش و گزارش شده است.

الف - عدم دقت در ارجاع ضمائر

تشخیص مرجع ضمائر در متون عربی، نقش مهمی در اتقان و درستی ترجمه و تشخیص مراد مصنف و مؤلف دارد. گاه یک لغزش در این باره عبارات را مقلوب نموده، مترجم را در انتقال مفاهیم ناتوان خواهد ساخت. در این جابه‌دو نمونه در این باره اشاره می‌شود.

۱- در ترجمه المیزان^۱، ج ۱۸، ص ۲۸۶، عبارت متن المیزان «فیعادونهم و یکفرون بعبادتهم...»^۲ چنین ترجمه است: «در قیامت [مشرکان] دشمن این آلهه می‌شوند و به عبادتی که برای آنها کردند کافر می‌گردند...» ولی مترجم محترم در ارجاع ضمائر دچار لغزش شده است، زیرا ضمیر (واو) را به مشرکان و ضمیر (هم) را به آلهه و بتها ارجاع داده است در حالی که مرجع دو ضمیر، به گونه عکس صحیح خواهد بود، یعنی ضمیر فاعلی (واو) در «فیعادونهم» و «یکفرون» به آلهه و ضمیر (هم) در «فیعادونهم» و «بعبادتهم» به مشرکان بازگردانده می‌شود و بدین‌گونه نیز جمله و جملات بعدی در ترجمه قابل اصلاح خواهد بود.

پس با دقت ترجمه و تفسیر آیه شریفه^۳ ۶، سوره احقاف^۴ که در همین صفحه ترجمه المیزان آمده، به روشنی نظریه درست در ارجاع ضمائر، معلوم خواهد شد. از این رو ترجمه

۱- ترجمه تفسیر المیزان، سید محمدباقر موسوی همدانی، چاپ جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، و موارد دیگر در متن مقاله، همین چاپ مورد نظر است.

۲- همچنین در ترجمه تفسیر المیزان، سید محمدباقر موسوی همدانی، چاپ کانون انتشارات محمدی، ج ۳۵، ص ۳۰۷ و چاپ بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی (ره) و مرکز نشر فرهنگی رجاء، ج ۱۸، ص ۳۰۳، و برای اختصار در موارد دیگر، از چاپ اول با (چاپ کانون) و از چاپ دوم با (چاپ بنیا) تعبیر می‌شود.

۳- المیزان فی تفسیر القرآن، علامه طباطبایی، چاپ جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۱۸، ص ۱۸۸.

۴- «و ادا حشر الناس کانوا لهم اعداء و کانوا بعبادتهم کافرین».

صحیح عبارت یاد شده، بدین گونه است: «در قیامت، آلهه دشمن این مشرکان می شوند و به عبادتی که برای آنها انجام شده، کافر می گردند و اظهار بی زاری می کنند».

۲- در ج ۱۸، ص ۳۶۳ در ترجمه عبارت مرحوم علامه در متن المیزان «و اختلفوا فی هؤلاء من هم؟»^۲ چنین آمده است: «و اما این که اینان چه کسانی بوده اند که مرتدین به آنان وعده اطاعت می دادند، مفسرین در آن اختلاف کرده اند.» ولی ظاهراً در تشخیص مشارالیه «هؤلاء» و مرجع ضمیر «هم» اشتباهی انجام پذیرفته است، زیرا با توجه به عبارات متن، ترجمه صحیح جمله بالا بدین گونه است: «و اما این که این مرتدین چه کسانی بوده اند که به آن دیگران وعده اطاعت می دادند، مفسران در آن اختلاف کرده اند».

ب - عدم اعراب صحیح کلمه

از لوازم ترجمه صحیح متن عربی، تشخیص اعراب کلمات یک متن است و این مهم در علم نحو، مورد بررسی و بحث قرار می گیرد. اینک به یک لغزش در این باره بنگرید:

۱- در ج ۱۸، ص ۲۸۷ در ترجمه عبارت متن «بل يقولون افتری القرآن علی الله فی دعواه انه كلامه»^۴. چنین می خوانیم: «بلکه کفار می گویند این که قرآن خود را کلام خدا خوانده، بر خدا افتراء بسته است».

ولی واژه «قرآن» در عبارت مرحوم علامه مفعول جمله است نه «فاعل»، و فاعل ضمیری است که در واقع مرجع آن پیامبر اکرم (ص) می باشد، این نکته با تأمل در ترجمه آیه ۸ سوره احقاف^۵ که در همان صفحه آمده است به وضوح مشخص و معلوم می گردد، از این رو ترجمه صحیح عبارت یاد شده، بدین گونه است: «بلکه کفار می گویند: این که پیامبر قرآن را کلام خدا خوانده، بر خدا افتراء بسته است».

۱- همچنین در ترجمه تفسیر المیزان، چاپ کانو...، ج ۳۶، ص ۷۲، و چاپ بنیا...، ج ۱۸، ص ۳۸۶.

۲- تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۲۴۱ (متن عربی).

۳- همچنین در ترجمه تفسیر المیزان، چاپ کانو...، ج ۳۵، ص ۳۰۹، و چاپ بنیا...، ج ۱۸، ص ۳۰۵.

۴- تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۱۸۸ (متن عربی).

۵- «أم يقولون افتراه قل ان افترینه فلا تملکون لی من الله شیئاً...».

ج - تصحیف کلمه

تصحیف در لغت، به معنای تغییر دادن کلمات و حروف مشابه و تبدیل به یکدیگر به کار رفته است، همچون برید به یزید.

در بحث قراءات قرآن برخی از مفسران و دانشمندان علوم قرآنی یکی از عوامل گسترش قراءات شاذه را در صدر اسلام، تصحیف کلمات قرآنی از سوی قاریان دانسته‌اند. و همچنین در درایة الحدیث (علم شناسایی اصطلاحات حدیث) حدیث مصحّف یکی از اصطلاحات مهم و بحث‌برانگیز به شمار می‌آید، از این رو درست خواندن کلمه، و در نظر گرفتن نقطه‌های کلمات مشابه، بالطبع نقش مهمی در فهم و ترجمه عبارات و کلمات دارد، در این جا به یک نمونه که مترجم محترم دچار تصحیف کلمه گردیده و آن را به کلمه مشابهش تغییر داده، اشارت می‌گردد.

۱- در ج ۱۸، ص ۳۰۰ در موارد مکرّر، واژه «حَطَّ» و «مخطوط» به «حظّ» و «محظوظ» تصحیف گردیده و بر همین اساس ترجمه شده است، از این رو در ترجمه عبارت متن «... او [اثارة من علم] قال: الخَطّ، اقول: لعل المراد بالخط کتاب مخطوط موروث من الانبياء او العلماء الماضين لكن في بعض ما روي في التفسير قوله: [او اثاره من علم] انه حسن الخطّ وفي بعض اخر انه جودة الخطّ...»^۲ چنین آمده است: «... منظور از [اثارة من علم] بهره است. مؤلف [می‌گوید]: شاید منظور از حظّ و بهره، کتاب محظوظ یعنی موروث از انبیاء و یا علمای گذشته باشد، لیکن در بعضی از روایاتی که در تفسیر آمده که منظور از [أو اثاره من علم] حظّ نیکو است، و در بعضی دیگر آمده که منظور از آن، جودت و زیبایی حظّ است...». ولی همان‌گونه که مشاهده گردید، «حَطَّ» به «حظّ» تصحیف شده و بر همان اساس در ترجمه عبارت متن، واژه «بهره» آورده شده است، از این رو کلمات «بهره، حظّ و بهره، کتاب محظوظ، حظّ نیکو، و جودت و زیبایی حظّ» در عبارت یاد شده بدین‌گونه قابل اصلاح است: «حَطَّ، کتاب مخطوط، خطّ نیکو، و جودت و زیبایی خطّ».

۱- همچنین در ترجمه تفسیر المیزان، چاپ کانو... ج ۳۵، ص ۳۲۳، و چاپ بنیا...، ج ۱۸، ص ۳۱۹.

۲- تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۱۹۶ (متن عربی)

د - تبدیل جملات منفی به مثبت و بالعکس

در پاره‌ای از موارد، جملات منفی در متن المیزان به گونه‌ای مثبت، ترجمه شده و همچنین بالعکس، از این رو دگرگونی در معنا به وجود آمده و خواننده را دچار سردرگمی نموده است، به نمونه‌هایی از این قبیل بنگرید:

۱- در ج ۱۸، ص ۳۰۲ در ترجمه عبارت متن «... فما أجابه منهم احد»^۱ که در ضمن روایت کاملی آمده، چنین آورده است: «همین که یکی از آنها داوطلب شد»، ولی عبارت یاد شده، منفی است و حرف نفی «ما» در آغاز آن آمده است، از این رو ترجمه صحیح جمله یاد شده، بدین گونه است: «همین که هیچ‌کس داوطلب نشد [و جواب نداد].»

۲- در ج ۱۸، ص ۴۰۰ در ترجمه روایت مشهور و طولانی در قضیه صلح حدیبیه که منجر به پذیرش قرارداد صلح بین مسلمانان و مشرکان گردید، چنین آمده است: «سهیل گفت: من هم شرطی دارم و آن این که هرکس از ما به میان شما آمد ولو به دین شما باشد به ما برگردانید، و هرکس از شما به میان ما آمد ما هم برگردانیم.» در حالی که عبارت متن المیزان بدین گونه است: «فقال سهیل: علی انه لا یأتیک منا رجل و ان کان علی دینک الا ردته الینا و من جاءنا ممن معک لم نرده علیک.»^۲ که مترجم جمله «لم نرده» را به صورت جمله مثبت ترجمه نموده است، از این رو ترجمه جمله پایانی عبارت، بدین گونه قابل اصلاح است: «... و هرکس از شما به میان ما آمد ما بر نمی‌گردانیم.»

۳- در ج ۱۸ ص ۴۲۰ در ترجمه متن المیزان «و قوله تعالی سابقاً: «قل لن تتبعونا» ناظر الی نفی اتباعهم فی غروة خیبر علی ما یفیده السیاق.» چنین می‌خوانیم: «و این که خدای تعالی از پیش خبر داد که به متخلفین بگو شما ما را پیروی نخواهید کرد ناظر به پیروی کردن

۱- همچنین در ترجمه تفسیر المیزان، چاپ کانو... ج ۳۵، ص ۳۲۵، و چاپ بنیا... ج ۱۸، ص ۴۲۱.

۲- تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۱۹۸ (متن عربی).

۳- همچنین در ترجمه تفسیر المیزان، چاپ کانو... ج ۳۶، ص ۱۱۰، و چاپ بنیا... ج ۱۸، ص ۴۲۴.

۴- تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۲۶۸ (متن عربی).

۵- همچنین در ترجمه تفسیر المیزان، چاپ کانو... ج ۳۶، ص ۱۳۲، و چاپ بنیا... ج ۱۸، ص ۴۴۶.

آنان در جنگ خبیر است، این‌طور از سیاق استفاده می‌شود.^۱ در حالی که «نفی اتباعهم» در عبارت متن، ترکیبی منفی است و در ترجمه به گونه‌ای مثبت آورده شده، از این‌رو ترجمه صحیح این جمله از عبارت متن، بدین‌گونه است: «... ناظر به پیروی نکردن آنان در جنگ خبیر است...».

۴- در ج ۱۸، ص ۴۲۵ در باره متعدی بودن با واسطه، یا بدون واسطه کلمه «رضا»، در ترجمه عبارت متن «فاذا عدی بنفسه جاز دخوله علی الذات...» چنین آمده است: «اگر [کلمه «رضا» که مصدر «رَضِيَ» است] به خودی خود متعدی نشود - ممکن است مفعولش هم ذات باشد...».

ولی همانگونه که مشاهده گردید «عدی» در عبارت فوق به گونه منفی ترجمه شده که صحیح نبوده و شکل صحیح آن بدین‌گونه است: «... اگر به خودی خود متعدی شود...»^۲.

هـ- تصور ترکیب اضافی در کلمات

۱- در ج ۱۸، ص ۳۱۵ در روایت مشهور قضاوت علی (ع) که با توجه به دو آیه شریفه قرآن، اقل حمل را شش ماه دانسته و زنی را که متهم گردیده و در آستانه سنگسار شدن قرار گرفته بود، تبرئه نمودند، مترجم در ترجمه عبارتی از متن روایت دچار لغزش گردیده و عبارت «... قال [الروای]: ثم بلغنا أنها ولدت آخر لستة أشهر...»^۳ را بدین‌گونه ترجمه نموده است: «راوی می‌گوید: بعداً شنیدیم که آن زن درست در آخر شش ماه وضع حمل کرده بوده...»، ولی همانگونه که مشاهده می‌گردد، مترجم عبارت «آخر لسته» را که به صورت جداگانه بوده و کلمه «آخر»، (مفعول به) و «لسته»، (جار و مجرور) را به صورت ترکیب اضافی فرض نموده، یعنی آن‌را «آخرالسته» تصور کرده و مفعول فیه جمله دانسته است و بر این اساس

۱- احتمالاً اشتباه چاپی است.

۲- همچنین در ترجمه تفسیر المیزان، چاپ کانو...، ج ۳۶، ص ۱۳۷، و چاپ بنیا...، ج ۱۸، ص ۴۵۱.

۳- احتمالاً اشتباه چاپی است.

۴- همچنین در ترجمه تفسیر المیزان، چاپ کانو...، ج ۳۶، ص ۲۱، و چاپ بنیا...، ج ۱۸، ص ۳۳۵.

۵- تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۲۰۷ (متن عربی).

ترجمه نموده و عبارتی را در ترجمه آورده است که با آغاز روایت سازگار نیست، از این رو ظاهراً ترجمه صحیح عبارت متن بدین گونه است: «راوی می گوید: بعداً شنیدیم که آن زن، فرزند دیگری در شش ماهگی وضع حمل نمود.»

و - عدم ترجمه برخی از عبارات متن

در پاره‌ای از موارد، عباراتی از متن عربی المیزان ترجمه نشده و مورد غفلت واقع شده است، به دو نمونه در این باره بنگرید:

۱- در ج ۱۸، ص ۳۵۸ در تفسیر آیه شریفه «... والله يعلم متقلبکم و مثواکم»^۲ مرحوم علامه پنج نظریه و معنا را در باره این جمله از آیه شریفه نقل می‌کند، ولی مترجم چهار معنا و نظریه را آورده و از ترجمه یک مورد از آن غفلت نموده است، عبارت متن ترجمه نشده، چنین است: «و قيل: المتقلب هو التقلب من الاصلاب الى الارحام والمثوى السكون الى الأرض»^۳

۲- در ج ۱۸، ص ۳۶۵ در تفسیر آیه شریفه «... ولتعرفنهم فی لحن القول»^۴ مرحوم علامه در معنای لغوی «لحن» دو نظریه را نقل نموده و در باره معنای اول چنین آورده است: «و ذلك اكثر استعمالاً»^۵ که حکایت از کثرت استعمال واژه «لحن» در معنای اول دارد، ولی مترجم از ترجمه این عبارت غفلت نموده و آن را یاد آور نشده است.

ز - ترجمه نادرست برخی از آیات

سخن از ترجمه قرآن و ترجمه آیات قرآن در ترجمه تفسیر المیزان، خود مقال

۱- همچنین در ترجمه تفسیر المیزان، چاپ کانو...، ج ۳۶، ص ۶۸، و چاپ بنیا...، ج ۱۸، ص ۳۸۲.

۲- محمد (ص) / ۱۹.

۳- تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۲۳۸ (متن عربی).

۴- همچنین در ترجمه تفسیر المیزان، چاپ کانو...، ج ۳۶، ص ۷۴، و چاپ بنیا...، ج ۱۸، ص ۳۸۸.

۵- محمد (ص) / ۳۰.

۶- تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۲۴۳ (متن عربی).

دیگری را می‌طلبید، ولی آنچه به اختصار می‌توان یادآور شد این‌که ترجمه آیات در ترجمه تفسیرالمیزان در موارد متعددی رسا و روان نیست و در انتقال معنای آیه، کمبود و کاستی به همراه دارد و در مواضعی هم ترجمه آیات به گونه‌ای نادرست بیان شده است. در این جا فقط به دو آیه شریفه که ترجمه نادرست از آن ارائه گردیده، اشاره می‌شود:

۱- در ج ۱۸، ص ۳۴۶ در ترجمه آیه شریفه «وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعَسَا لَهُمْ وَأُضِلَّ أَعْمَالُهُمْ»^۱ چنین می‌خوانیم: «و کسانی که کفر ورزیدند سقوطی برخواستنی نصیبشان است و اعمال خود را نابود می‌کنند». در حالی که «أُضِلَّ» فاعلش مفرد است و ضمیری است که به خداوند ارجاع داده می‌شود، نه این‌که آن‌گونه که از ترجمه تفسیرالمیزان مشاهده می‌گردد، فاعل جمع بوده و به کفار باز می‌گردد. از این روی ترجمه صحیح این بخش از آیه بدین‌گونه است: «... و خداوند اعمال آنان را نابود می‌کند، [و بی‌نتیجه می‌سازد]».

۲- در ج ۱۸، ص ۳۷۸ در ترجمه آیه شریفه «... وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا»^۲ چنین آمده است: «آری برای خدا همه رقم لشکر در آسمانها و زمین هست و خدا مقتدری شکست‌ناپذیر و حکیمی فرزانه است». مترجم جمله پایانی آیه را «و كان الله عزيزاً حكيماً» فرض نموده و بر همین اساس ترجمه کرده است، در حالی که اسم حسنی الهی در این آیه «علیم» و در آیه مشابه آن (فتح / ۷) «عزیز» است، از این رو ترجمه صحیح این بخش از آیه بدین‌گونه است: «... و خداوند دانا و حکیم است».

ح - مواردی دیگر از لغزشها

۱- در ج ۱۸، ص ۳۳۹ در ترجمه عبارت «... وَأَصْلَحَ حَالَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ...»^۳

۱- همچنین در ترجمه تفسیرالمیزان، چاپ کانو...، ج ۳۶، ص ۵۲، و چاپ بنیا...، ج ۱۸، ص ۳۶۶.

۲- محمد (ص) / ۸.

۳- همچنین در ترجمه تفسیرالمیزان، چاپ کانو...، ج ۳۶، ص ۸۶، و چاپ بنیا...، ج ۱۸، ص ۴۰۰.

۴- فتح / ۴.

۵- همچنین در ترجمه تفسیرالمیزان، چاپ کانو...، ج ۳۶، ص ۴۶، و چاپ بنیا...، ج ۱۸، ص ۳۶۰.

۶- تفسیرالمیزان، ج ۱۸، ص ۲۲۴ (متن عربی).

چنین می‌خوانیم: «... و هم در دنیا و هم در آخرت دل‌هایشان را اصلاح می‌کند...» ولی ترجمه «حَالُهُمْ» به «دل‌هایشان» دقیق و صحیح نیست و با توجه به جملات بعدی در متن المیزان، ترجمه صحیح عبارت، بدین‌گونه است: «... هم در دنیا و هم در آخرت، موقعیت و وضعیت آنان را اصلاح می‌کند.»

۲- در ج ۱۸، ص ۳۴۷ در ترجمه عبارت «التعس هو سقوط الانسان علی وجهه و بقاؤه علیه و یقابله الانتعاش و هو القیام عن السقوط علی الوجه.»^۲ چنین آمده است: «کلمه تعس به معنای سقوط انسان و افتادن با صورت و به همین حال ماندن است. در مقابل آن انتعاش است که به معنای سرپا ایستادن و بدین وجه نیفتادن است.»

ولی جمله پایانی عبارت «و هو القیام عن السقوط علی الوجه» ناقص و مبهم ترجمه گردیده، زیرا «علی الوجه» را «بدین وجه نیفتادن» ترجمه نموده، در حالی که «علی الوجه» متعلق به کلمه «السقوط» است و «وجه» همان معنای «صورت و چهره» را دارد، از این رو ترجمه صحیح جمله پایانی عبارت بدین‌گونه است: «... و انتعاش سرپا ایستادن است بعد از آن که به صورت و چهره سقوط کرده است.»

۳- در ج ۱۸، ص ۳۹۳ در تفسیر آیه شریفه «... و كان الله علیماً حکیماً.»^۳ جابه‌جایی نادرستی انجام پذیرفته و بر همان اساس ترجمه شده است، هر چند اشتباه و لغزش نخستین، مربوط به متن المیزان^۵ است، ولی مترجم نیز به این اشتباه توجه ننموده و همان‌گونه وارونه ترجمه کرده است، زیرا که در متن المیزان، بخش آخر آیه ۷ سوره فتح «و كان الله عزیزاً حکیماً» به جای بخش پایانی آیه ۴ همین سوره «و كان الله علیماً حکیماً» آورده شده و بر اساس این جابه‌جایی نادرست، آیه تفسیر شده و مترجم نیز بر همین منوال، ترجمه نموده است. از این رو سزاوار است، مطلب تفسیری که در ذیل جمله پایانی آیه ۴ آمده، هم در متن

۱- همچنین در ترجمه تفسیر المیزان، چاپ کانو... ج ۳۶، ص ۵۴، و چاپ بنیا... ج ۱۸، ص ۳۶۸.

۲- تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۲۲۹ (متن عربی).

۳- همچنین در ترجمه تفسیر المیزان، چاپ کانو... ج ۳۶، ص ۱۰۲، و چاپ بنیا... ج ۱۸، ص ۴۱۶.

۴- فتح / ۴.

۵- تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۲۶۲ (متن عربی).

المیزان و هم در ترجمه المیزان، به ذیل آیه ۷ انتقال یابد.

۴- در ج ۱۸، ص ۳۹۹ در ترجمه عبارت «و اذا تَوْضَأُ ثاروا یقتلون علی وضوئه...»^۲ چنین آمده است: «و چون [پیامبر اکرم (ص)] وضو می‌گیرد، برای ربودن آب وضویش یکدیگر را می‌کشند...» در حالی که ترجمه «یقتلون» به «یکدیگر را می‌کشند»، نادرست است زیرا «اقتال» به معنای جنگیدن و نبرد کردن به کار رفته است، چه منجر به مرگ بشود و چه مرگ و کشتن را به همراه نداشته باشد. از این روی ترجمه عبارت فوق، بدین‌گونه قابل تصحیح است: «و چون [پیامبر اکرم (ص)] وضو می‌گیرد، برای ربودن آب وضویش با یکدیگر می‌جنگند [و با یکدیگر به نبرد بر می‌خیزند].»

۵- در ج ۱۸، ص ۴۰۸ در ترجمه عبارت متن «... لیؤمنوا بالله و رسوله و ینصروه تعالی بأیدیهم و الستم و یعظموه و یتبحوه - و هو الصلاة - بکرة و أصیلاً»^۳ چنین می‌خوانیم: «... تا مردم به خدا و رسولش ایمان آورند، و او را با دست و زبان یاری کنند و تعظیم و تسبیح - که منظور تسبیح در نماز است - بنمایند هم در بامدادان و هم در عصر.» مترجم محترم جمله معترضه «و هو الصلاة» را «تسبیح در نماز» ترجمه نموده، در حالی که «هو» مبتداست و مرجع آن به «تسبیح» بازگشت دارد و «الصلاة» خبر است نه ظرف و مفعول فیه، از این رو ترجمه صحیح این جمله، چنین است: «مراد از تسبیح، نماز است.» نه این‌که مراد تسبیحی است که در نماز انجام می‌پذیرد.

در پایان از مترجم محترم که عمری را در راه ترجمه این تفسیر گران‌سنگ، سپری نموده و روزگاری را که این امر مهم انجام پذیرفته، مسؤولیت آن را بر دوش کشیده، متحمل رنج فراوانی شدند، سپاسگزاری نموده، آرزو مندیم در صورت امکان در جهت تصحیح لغزشها و کمبودهای آن برآیند، تا انبوه مشتاقان قرآن و تفسیر و فهم آن، استفاده وافر و کافی را از این ترجمه ببرند. ان‌شاء...

۱- همچنین در ترجمه تفسیر المیزان، چاپ کانو...، ج ۳۶، ص ۱۰۹، و چاپ بنیا...، ج ۱۸، ص ۴۲۳.

۲- تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۲۶۷ (متن عربی).

۳- همچنین در ترجمه تفسیر المیزان، چاپ کانو...، ج ۳۶، ص ۱۱۹، و چاپ بنیا...، ج ۱۸، ص ۴۲۳.

۴- تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۲۷۴ (متن عربی).